

سوء تفاهمی بزرگ در مورد شریعتی



سنت سلف صالح برگردیم، یعنی همان دوره‌ای بازگشت به کتاب داشتیم، یک به سنت هم برای فهم کتاب داریم، ما برای منظور کتاب را بفهمیم باید از متدولوژی پیامبر(ص) هم آگاه باشیم، اینکه پیامد چگونه کتاب را می‌فهمید و چگونه جاهلی را از جاهلیت خارج کرد. پیشگامان اندیشه دینی در اسلام معادل با پروتستانیزم مسیحی آغاز کردند پروژه فرماسیون، نودین‌بیرانی یا رنسانس نوزایی نیز در دنیا غرب می‌گویند. اسلام سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لا علی شریعتی ما را پروژه فرماسیون درویند آشنا کردند. این پروژه برسمان یا پولیماتی هم مطرح است. سوپراداشت یا حسن برد مورد آن زیاد است. اما کار ما برای فهم در برد پروژه چیست؟

ما برای برخورد با گذشته به قوسه فیلسوف آلمانی می‌توانیم سه رویکرد باشیم. نیچه در سود و زبان مطالعات این بحث را مطرح می‌کند. یک وقت می‌گذشته را حفظ کنیم که به آن روش سنت می‌گویند. دیگری روش عظمت‌گراست می‌خواهد به گذشته برگردد و عظمت را برگرداند، آن چیزی که ما به آن روش می‌گوئیم و آخرین روش، روش انتقادی است روش روشنفکران است که گذشته را نقد هر کدام از این روش‌ها بخشی از او است. نشان می‌دهند. یکی می‌گوید که گذشته و ما محصول گذشته‌مان هستیم. تاریخ، همین زبانی که با آن صحبت می‌کنیم به ما مربوط است.

روش شریعتی و بقیه نواندیند رفورماتورهای دینی در جهان اسلام برمی‌آزسگرانه و ساختارگشایانه است؛ آن در هرمنوتیک به آن می‌گویند ساختارگشاهوسل و دریدا آن را مطرح کردند. ساختار یا بازسازی به این معناست که ساختارها را زنگار گرفته‌اند و متصل شده‌اند و روشی را زنگار گرفته‌اند و متصل شده‌اند و روشی این ساختارها را زنگارزایی یا اتصال کنیم. این روش به طور خلاصه ساختارگرگشایانه است.

بازسازی نام گرفته است. این روش به گذشته برمی‌گردد و ما آن را از سر بخواند. اما برخلاف روشی که می‌خواهد همان عقیده را حفظ کند بنیادگرا که می‌خواهد عظمت گذشته را با زنگار است. فرق روش سوم نوگرا با بنیادگرا روش بنیادگرا هم به سنت‌گرا شبیه است به نوگرا.

ادامه در ص



یا دکارتی فکر می‌کند؟ یا در چارچوب سلفینرم توجه داشته باشید که منظور تکفیرنرم نیست. درواقع در این الگو نگاه می‌کنند که یک اندیشمند در مورد چهار مفهوم انسان، خدا، طبیعت و جهان چه می‌اندیشد.

الگوی سوم، الگوی پل ریکور است که یک جمله کلیدی دارد. او می‌گوید: ما حق نداریم و نمی‌توانیم برگردیم و بنیبنیم یک متفکر چه می‌گوید. در حال حاضر اگر ما تلاش هم نکنیم، نمی‌توانیم بفهمیم مقصود سهروردی، راولر، مارکس یا فارابی چه بوده است. در الگوی هرمنوتیک دیالکتیک ریکور، ما مؤلف را حذف می‌کنیم و مفسر یا خواننده با متن مواجه می‌شود. آنچه مفسر از متن می‌فهمد همان صحت دارد. الگوی آخر و چهارم به آن هرمنوتیک قصدمندانه یا نیت‌مندانه گفته می‌شود و اندیشمندی به نام کوینتر اسکینر بنیان‌گذار آن بود، گفته می‌شود: هر نویسنده‌ای در نوشتن متن حتما مقصودی دارد، مقصود هم قابل کشف است و مفسر می‌کوشد این مقصود را کشف کند. این کشف کار دشوار ولی ارزشمندی است. ما با خواندن کتاب‌های پرشمار دکتر شریعتی می‌توانیم با این الگو نکته را دریابیم که مقصود ایشان چه بوده است.

● احسان شریعتی: به نام خداوند حقیقت و زیبایی، امروز به مناسبت هشتادوودومین سالگرد تولد دکتر علی شریعتی، معلم انقلاب مردم و به دعوت دوستان دانشگاه کرد آمده‌ام. همیشه وقتی از شریعتی صحبت می‌کنیم، او را در گذشته بررسی و مطرح می‌کنیم. اما شریعتی علاوه بر آنچه در گذشته گفته و نوشته است، در امروز جامعه هم اثر دارد. گاهی این اثر خلاف خواست، بحث و غرض او بوده است. این تناقض یا سوء-حسن برداشت‌هایی که از شریعتی

روز شنبه ۳۰ آبان، نشست «شریعتی و امروز» به مناسبت تولد دکتر شریعتی، از سوی انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی در سالن غدیر دانشگاه علوم انسانی برگزار شد. در این نشست، استاد اندیشه سیاسی و احسان شریعتی، فیلسوف سیاسی معاصر و فرزند دکتر سخرانی کردند.

باتشکر از آقای نوید کلهرودی دبیر انجمن علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی)

● قدیر نصری، استاد اندیشه سیاسی: شریعتی متفکران مثل او را امروز در سال ۱۳۹۴ چگونه می‌توان فهمید؟ آیا برای فهم او باید از دیگران سبب یا باید نشست و کتاب‌های ایشان را خواند. نبردهای ایشان را گوش کرد؛ من فکر می‌کنم آنچه ضرورت دارد، نگاه روشمند به فکر مرحوم دکتر شریعتی است. او اندیشمندی یک بقدی و روش‌شناسی است که بتوان او را بهسرط طبقه‌بندی کرد.

دکتر شریعتی به‌عنوان یک انسان مسئول و رهنم در زمانه خود دلیرانه حرف‌هایی زده که کمتر کسی موفق به بیان آن شده است. من چهار روش یا الگو برای فهم اندیشه شریعتی مطرح می‌کنم. اولین چارچوب و الگو مراحل چهارگانه اسپرینگز است. توماس اسپرینگز کتابی به نام «مردنظر نظریه‌های سیاسی» دارد. اسپرینگز می‌گوید ای شناختن یک اندیشمند باید حتما چهار سوال ایشان بپرسم: ۱- بحران، بی‌نظمی و پلیتی نگاه اندیشمند موردنظر ما (دکتر شریعتی) در بی‌نظمی؟ در کام دوم اسپرینگز می‌گوید که دلیل چه چیز است؟ در کام سوم باید لای نظمی ما را به کدام سمت می‌برد؟ آیا جامعه لای موردنظر ایشان بوده؟ تمدن اسلامی؟ خلیفه ایشان بود؟ در چهارمین کام می‌پرسم که در راه عملی‌ای را پیشنهاد می‌کند؟ عملاً چه کرد؟ پس در روایت و قرارت اسپرینگز اول می‌پرسم بحران چیست؟ ریشه آن بحران کدام است؟ جامعه ایده‌آل چیست؟ و بالاخره راه‌های عملی رسیدن به آن کدامند؟ با پاسخ دادن به این سئوال‌ها می‌توان به یک اندیشمند هم‌سخن شد. الگوی دوم که در نوع خود مهم است، فهم سنت اندیشه می‌کند؛ اصطلاحاً می‌گوئیم این سنت «استگاه فکر است» یا تفکر غربی در چارچوب «وسترن» یا تفکر غربی